

گزارشی از معادن

بررسی وضعیت معادن جهان

در سال ۱۹۹۲

قسمت اول

از: مرکز تحقیقات و بررسیهای اقتصادی اتاق

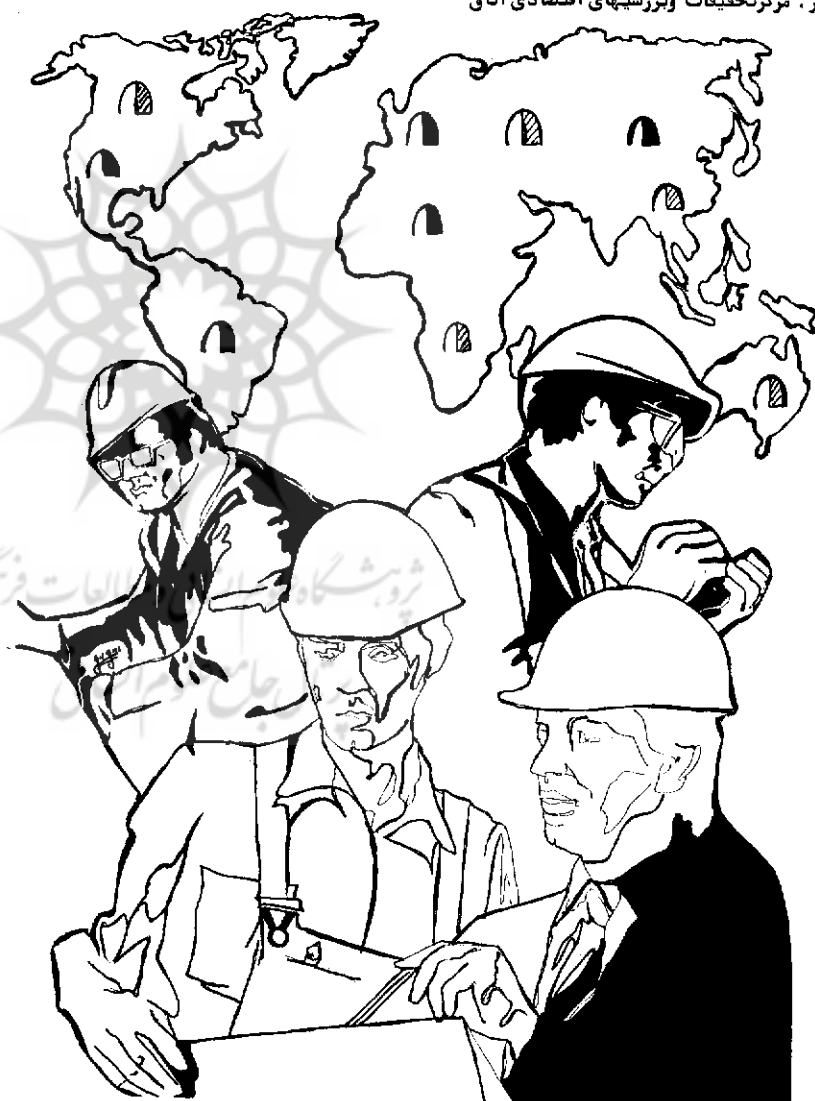
نشریه ماینینگ چاپ لندن در شماره مامارس ۱۹۹۳ خود گزارشی از واحد بین‌المللی مواد معدنی اداره معادن ایالات متحده آمریکا درج کرده است که تفصیل آن را طی دو شماره ملاحظه خواهید فرمود.

پیش درآمد

وقوع تغییرات شدید در سال ۱۹۹۲، بخصوص در اتحاد جماهیر شوروی سابق و اروپای شرقی، بر صنعت مواد معدنی جهانی تأثیر نه‌سازد. همچنین شرایط رکود در تعدادی از کشورها بر رشد تقاضا برای مواد خام معدنی اثر منفی گذاشت. اطلاعات موجود حاکی است که کاهش قابل ملاحظه‌ای در ارزش دلار برای تولید جهانی مواد خام در سال ۱۹۹۲ به نسبت رقم اولیه ۱۵۳۰ میلیون دلار برای سال ۱۹۹۱ وجود داشته است. بهای نسبتاً پایین مواد معدنی به ویژه کاهش ثابت هزینه انرژی نیز مؤید ارزش پایین فلزات تولیدی و دیگر محصولات معدنی غیرسوختی می‌باشد. دلیل عمده در این خصوص کاهش در هزینه‌های دفاعی بود که موجب کاهش صنایع عمومی و منطقی کردن آنها در کشورهایی که قبلاً "اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل می‌دادند، گردید.

آخرین اطلاعات منتشر شده در خصوص تجارت جهانی صادرات در سال ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که بهاء صادرات کالاهای معدنی ۶۴۶ میلیارد دلار برآورد شده است که در این میان اقلام معدنی غیرسوختی تقریباً "۴۷ درصد و اقلام سوختی کمی بیش از ۵۳ درصد سهم را داشته‌اند. سهم اقلام معدنی در کل ارزش تجارت جهانی صادرات ۱۹ درصد بود. به نظرمی‌رسد که عایدات تجاری در سال ۱۹۹۱ نسبت به سال ۱۹۹۰ قدری افزایش نشان می‌دهد.

با وجودی که در نتیجه کاهش سطح مصرف نوعی کاهش حجم تجاری وجود داشته است ولی بازاریابی برای قیمت‌های کاهش یافته تحرکات



بین‌المللی را برای اقلام معدنی افزایش داده است. کشورهای که عضو شورای کمک اقتصادی متقابل بودند به شدت تقاضای نظامی را کاهش داده و ترتیبات پایایی را برهم زدیم و از طریق صادرات دربی به دست آوردن ارزش خارجی می‌باشد. اتخاذ این سیاست‌ها همان‌طور که تغییرات تجارت در مواد معدنی نشان می‌دهد، برای بقای اقتصادشان اساسی بود. کاهش تجارت در بعضی کشورهای دارای اقتصاد بازار بازتر و بر روی ایالات متحده آمریکا عمیق بود. به طور فزاینده روشن است در صورتی که این کشورها برای ادغام اقتصاد خود در جهان با اقتصاد بازار تلاش کنند اوضاع کلی اقتصادشان و عملکرد صنایع معدنی آنان تأثیر عمده‌ای بر فعالیت کلی اقتصادی و عملکرد صنایع معدنی در ایالات متحده و کشورهای دارای اقتصاد بازار خواهد داشت. علت این است که تحت شرایط وضعیت "جنگ سرد، مبادله بازرگانی میان دو گروه کشورها کاملاً محدود بود. در حالی که در شرایط فعلی روابط رو به تزايد است.

دیگر جنبه مهم تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و شورای کمک اقتصادی متقابل (CMEA) اثر اتحادهای پایدار میان کشورهای پیشرفته با اقتصاد بازار می‌باشد. تلاش‌های مبتنی بر همکاری در طول ۵۰ سال برای اشاعه کمونیسم در کشورهای مربوط اثرات بازدارنده‌ای بر رقابت گروهی و تجارت در کالاها معدنی داشت. در حال حاضر، این کشورها و قطب‌های منطقه‌ای با اقتصاد بازار پیشرفته می‌توانند به جای این که پاسخگوی ملاحظات استراتژیک گروهی باشند، به رقابت بیشتر بپردازند. این سیاست تازه به ایالات متحده و صنایع معدنی اش آسیب رسانده و بالقوه نیز اثرات بیشتری وجود خواهد داشت. مواضع رقابتی روبه افزایش کشورهای توسعه یافته، با اقتصاد بازار، جهت تشکیل قطب‌بندی می‌باشد که بارزترین آن موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی NAFTA و توسعه

جامعه اروپاست. این گروه‌ها بر فعالیت‌های صنعتی مواد معدنی در داخل گروه و یا خارج آن نیز تأثیر می‌گذارند. البته چنین روابط بدون مشکل و تعارض در موضوعات متنوع معدنی که در میان این گروه‌ها به صورت پیچیده درآمده است، نمی‌باشد. رخ داده‌ها در جامعه اروپا در سال ۱۹۹۲ به طور متقاعد کننده‌ای نشان می‌دهد که تحت شرایط دشوار اقتصادی پسک سیاست متحد که برای کلیه کشورهای عضو قابل قبول باشد، دشوار بوده و یا بطور کلی قابل پذیرش برای تمامی کشورها نیست. روشن است که برخی کشورهای عضو جامعه اروپا با کلیه وجوه اتحادیه کاملاً "خشنودند. در بازه پیش‌نویس برنامه NAFTA که کانادا، مکزیک و ایالات متحده را به هم مرتبط می‌سازد، رؤسای اجرایی سه کشور در اکتبر سال ۱۹۹۲ آن را به امضاء رسانده‌اند، اما تصویب آن توسط قوه مقننه سه کشور کماکان معوق مانده است. تصویب آن توسط مکزیک تقریباً قطعی است. اما در کانادا بارید اصلاح قانون اساسی این کشور در فروردین به عمل آمده در اکتبر سال ۱۹۹۲، تردیدهایی را برای تصویب پیش‌نویس برنامه مطرح ساخته است. ایالات متحده آمریکا نیز ممکن است برخی اصلاحات را روی برخی از جنبه‌های برنامه عمل آورد. تلاش‌های کشورهای سه شوری سابق و شورای کمک اقتصادی متقابل را تشکیل داده‌اند، برای ورود در فعالیت‌های صنعتی معدنی، به اقتصاد رقابتی و قابل قبول، از نظر زیست محیطی، با سایر عوامل محدود می‌شود. برخی از موارد صنایع معدنی تحت هرگونه شرایط قابل پیش‌بینی غیر اقتصادی بوده و برخی از آنان از دور خارج شده و یا قرار است حذف شوند. محدودیت فراهم بودن سرمایه مانع از این می‌شود که در آینده نزدیک از کلیه تسهیلات بالقوه برای رسیدن به شرایط اقتصاد بازار استفاده شود. اصلاح و یا حذف صنایع غیرکارایی موجود، اثرات بالقوه روی بهکاری را به همراه دارد. انرژی رگ‌حیاتی توسعه به راحتی و ارزانی قابل‌تأمین

نیست. این دشواریها برای تأثیر گذاری روی صنایع مواد معدنی جهان برای سالها ادامه داشته و تازه مشکلات مشابه دیگری مانند کمبود سرمایه، سطح اشتغال، صنایع سویسید دار و نگرانی‌های زیست محیطی در جامعه اروپا کاملاً حل نشده‌اند. در سطح جهان ۵۰ شرکت خصوصی دولتی حدود ۵۵ درصد ارزش کل تولیدات معدنی دنیای غرب را در مواد معدنی غیرسوختی در سال ۱۹۹۰ دارا بودند. از این تعداد شرکت‌ها ۱۵ شرکت دولتی، ۹ شرکت آمریکایی، ۲ شرکت کانادایی، ۶ شرکت آفریقای جنوبی، ۴ شرکت استرالیایی بودند. این شرکت‌های پویا موجودیت خود را روی منابع زمین‌شناسی غنی بنا نهاده و سیاست‌های سرمایه‌گذاری و معدن کاری دولت‌هایشان برای توسعه منابع معدنی، توأم با تشویق می‌باشد. ۵۰ شرکت یاد شده به طور همزمان نقش عمده‌ای را در عرضه مواد معدنی بازار جهانی و محصولات مبتنی بر معدن را در بازار جهانی به عهده داشتند. شرکت‌های سهامی انگلیسی، آمریکایی و آفریقای جنوبی و شرکت RTZ انگلستان بزرگترین شرکت‌های خصوصی به شمار می‌آیند. شرکت‌های معدن کاری شیلی با نام‌های کودلکووانامی و شرکت دولتی CVRD در برزیل این دو کشور را در ردیف سوم و چهارم از نظر ارزش کل قرار داده است. سلطه این شرکت‌ها، بر پایه تأمین سهم عمده مواد معدنی غیرسوختی جهان و کشورهای خودشان است که توسط آنان تولید می‌گردد. مهمترین مواد معدنی غیرسوختی که از نظر ارزش در جهان تولید شده‌اند عبارتند از: طلا ۲۳/۴ درصد، مس ۱۶/۲ درصد، سنگ آهن ۱۱/۵ درصد و الماس ۴/۸ درصد.

شرکت‌های انگلیسی، آمریکایی و RTZ عمده‌ترین تولیدکنندگان طلا، الماس و مس در جهان به شمار می‌آیند. در حالی که شیلی و برزیل به ترتیب رهبری تولید مس و سنگ آهن را برعهده دارند.

اروپای غربی

جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۹۲ به عنوان تنها قطب تجاری برای ادغام برنامه ریزی شده اقتصاد کشورهای ذریبند بود. در ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۲ موانع تجاری میان ۱۲ کشور عضو برداشته شد. شرکت های اروپایی با افزایش کارایی خود از طریق ادغام و مالکیت در پی افزایش رقابت در جامعه اروپا بودند. شرکت های ایالات متحده و ژاپن در پی تدارک رویارویی با مقررات جدید "در جامعه اقتصادی سال ۱۹۹۲، مواضع خود را تثبیت کرده و یا تقویت می کنند. هرچند که با این توسعه جامعه اروپا با دو مشکل عمده در سال ۱۹۹۲ روبرو شد. تصویب نهایی پیمان ماستریخت که کشورهای عضو را بیشتر به هم پیوند می دهد، به تعویق افتاد و بدترین رخداد، تعلیق پوند انگلستان و لیر ایتالیا "در مکانیسم نرخ تبدیل اروپا" بود. آشوب ها در بازارهای مالی جهانی - همان طور که دیگر ارزها را تحت فشار قرارداد، به احتمال زیاد نتیجه اش کاهش سرمایه در خارج از آلمان نیز بوده و این امر منجر به تقاضای کمتر برای مواد خام و فلزات خواهد شد. برخی از شرکت های برجسته اروپای غربی در سال های اخیر در شرکت های با سابقه فرآوری مواد معدنی که در چند دهه اخیر رقیب آنها بودند، شریک شده اند. پارهای از شرکت ها، داخلی و دریکی کشور بودند و برخی، عنوان چند ملیتی داشتند. یکی از مهمترین آنها شرکت یونیورساکیلور فرانسه بود. این شرکت که یک شرکت دولتی فولاد است با ملی ساختن و ادغام تولیدکنندگان فولاد بنانهاده شده و بزرگترین شرکت فولاد اروپا به شمار آمده و بعد از بیپون ژاپن در ردیف دوم در جهان آزاد قرار دارد. در ایتالیا شرکت ایلوآسیا چهارمین شرکت بزرگ سازنده در ایتالیا و سومین تولیدکننده فولاد در اروپای غربی محسوب می گردد که قبل از سال ۱۹۹۲ تجدید سازمان شده است. شرکت مذکور که صد درصد ایتالیایی است، در سال ۱۹۹۲ درخواست سرمایه گذاری ساینر تولید

کنندگان بین المللی فولاد جهت پیشرفت بیشتر گردید. در آلمان دوشرکت بزرگ فولاد و مهندسی یعنی هوست و کروپ در پی ادغام برآمدند. در صورت توفیق در این کار، تولید آن ها از شرکت ایتالیایی ایلوآسیا بیشتر خواهد شد. با این توجیهات منطقی در فرانسه، ایتالیا و اسپانیا، اروپای غربی هم اکنون بیش از ۵۰ تولیدکننده عمده فولاد وجود دارد. دولت های اروپای غربی در تلاش برای افزایش رقابت شرکت های صنایع معدنی طرق مختلف را در پیش گرفته اند. در انگلستان دولت در پی این بود که از طریق خصوصی سازی، کارایی را بهبود بخشد. شرکت سهامی فولاد بریتانیا در دهه ۱۹۸۰ خصوصی شد و در اکتبر



سال ۱۹۹۲، دولت پیشنهاد کرد ۳۱ معدن از ۵۱ معدن تعطیل شوند تا مقدمات خصوصی شدن صنایع ذغال سنگ سوئیدی فراهم گردد. از آنجایی که اتحادیه ها و سیاستمداران با این حرکت مخالفت می ورزیدند، گفتگوی پرامون موضوع تا پایان سال ۱۹۹۲ ادامه یافت. به عکس، دولت فرانسه با ملی ساختن، در جستجوی این بود که به نتایج قابل رقابت در بخش آهن و فولاد دست یابد. در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، دولت فرانسه بخش فولاد را ملی کرد. اجرای برنامه مذکور ناتمام مانده و احتمال می رود که پس از الگوی ملی نمودن، خصوصی سازی در فرانسه هم دنبال گردد.

اروپای شرقی

تشنج هایی که اروپای شرقی را در سال ۱۹۹۲ تکان داد شامل مشکلات سیاسی، اجتماعی و جنگ های داخلی بود و تلاش و تحکیم ملت ها، احتمالاً "همچنان مورد بحث جرابند باقی خواهد ماند. هرچند مسایل سیاسی و انسانی برای کلیه افراد در درجه نخست اهمیت قرار دارند، این تشنج ها و آشفتگی ها توجه را به سوی منابع معدنی جلب کرده است که در آن نهایتاً "سرمایه گذاری، اشتغال و بازسازی مطرح می شوند. مهمترین مسأله ای که منطقه با آن روبروست فقدان انرژی ارزان، تمیز و فراوان است. در حالی که اروپای شرقی در کوتاه مدت احتمالاً به صنایع غیرکارا خواهد پرداخت تا از تعطیلی وسیع و گسترده آنها جلوگیری کند. عامل اصلی در دسترس بودن انرژی می باشد که آینده صنایع را تأمین می کند.

موارد زیر نمایانگر پارهای موضوع های مهم است که بخش های مهم صنایع معدنی را در برمی گیرند:

از هم پاشیدگی رسمی " شورای کمک اقتصادی مقابل " در ژوئن سال ۱۹۹۱ بر جهت گیری نازهای که اروپای شرقی در پیش گرفته است تاکید نهاد. از میان پی آمدهای فوق ناکافی بودن صنایع معدنی منطقه نمایان است. هنگامی که تدابیر غیر اقتصادی و محدودکننده ناگهان برداشته شد، چیزی جز تاریخ نبود که ناسازگار یها و سیستمی ها را تبیین کند. عملیات صنایع معدنی در اروپای شرقی بر سیاست متمرکز جهت دستیابی به خودکفایی در منطقه به هر قیمتی و برای ارضای تقاضای سخت افزاری نظامی، مبتنی بود. این ها به نوبه خود بر انرژی ارزان شوری سابق تکمیل داشت. با انحلال " شورای کمک اقتصادی مقابل"، خودکفایی منطقی دیگر تنها یک هدف سیاسی نبود، تقاضا برای سخت افزار نظامی کاهش یافت. انرژی ارزان شوری دیگر در دسترس نبود و



معدنی بودند در سال ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ اعلام استقلال کرده و توسط ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۲ به عنوان کشورهای دارای حاکمیت به رسمیت شناخته شدند. جنگ‌های داخلی در یوگسلاوی سابق که موجب مرگ هزاران تن و بی‌خانمانی میلیون‌ها تن دیگر گردید، نتایج فاجعه آمیزی روی بخش‌های معدنی داشت. اسلوونی که از نظر زیربنایی درتحصیل استقلال، ارهم گسیختگی کمتری داشت با دشواریهایی در بازاریابی محصولات خود و به دست آوردن مواد خام لازم برای تولید روبرو گردید. در چکسلواکی که به دو کشور چک و اسلواکی تقسیم شده‌اند احتمالاً "در برخی بخش‌ها شامل مواد معدنی - دچار نقصانهایی خواهد شد.

اروپا آسیای مرکزی

انحلال اتحاد جماهیر شوروی در پایان سال ۱۹۹۱ منجر به رسمیت شناختن ۱۲ جمهوری از ۱۵ جمهوری به عنوان کشورهای مستقل درد ساهیر

سایر صنایع قابل اطمینان نبود. و ناچار حذف خواهند شد. در مورد چکسلواکی وقتی که ذغال سنگ لیگنیت تنها منبع انرژی این کشور بوده و کلیه مواد خام برای تولید آلومینیوم باید وارد شود دشوار است که صنعت آلومینیوم اولیه را با مصرف این انرژی بتوان توجیه کرد. یکی از نتایج وحدت دو آلمان وضعیت شوم صنعت فولاد آلمان شرقی سابق تا پایان سال ۱۹۹۲ بود. این بخش که تقریباً ۸ میلیون تن فولاد خام در ۱۹۸۹ تولید داشته و یکی از کارآترین تولیدکنندگان فولاد در اروپای شرقی بوده تقریباً "به طور کامل غیراقتصادی شده و از نظر زیست محیطی توسط متخصصان آلمان غربی غیرقابل قبول قلمداد گردیده است. کارخانه‌ها ظرف مدت کوتاهی بعد از اتحاد دو آلمان تعطیل گردیدند و در نتیجه محصول فولاد به کمتر از ۵/۶ میلیون تن در سال ۱۹۹۰ و ۳/۴ میلیون تن در سال ۱۹۹۱ رسیده و برآورد آن در سال ۱۹۹۲ حدود ۲/۸ میلیون تن بود. به همین سان صنعت پتاس آلمان شرقی بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ دچار یک میلیون تن کاهش گردیده و به حدود ۲/۲ میلیون تن رسید و برای سال ۱۹۹۲ زیر ۲ میلیون تن برآورد شده است.

فرآیند وحدت دو آلمان پی‌آمدهای پیش‌بینی نیز داشت. بحران‌های پولی که نظام پولی اروپا را در نیمه دوم سال ۱۹۹۲ از هم گسیخته بود تا اندازه زیادی نتیجه تلاش آلمان برای ادغام اقتصادی ایالات شرقی بود.

دولت آلمان از نرخ‌های بالای بهره جهت برنامه‌های بازسازی برای ایالات شرقی که سالانه بیش از ۱۰۰ میلیارد مارک برآورد شد، حمایت کرد.

جنگ داخلی و انحلال جمهوری سابق یوگسلاوی در سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ به طوری روی بخش معدنی کشور که در اروپا و جاهای دیگر انعکاس داشت، اثر گذاشت. از نظر تاریخی سه استان اصلی یعنی اسلوونی، کرواسی و بوسنی هرگزین که تولیدکنندگان عمده مواد

بازار شوروی نیز برای صنایع سنگین به شدت محدود شده بود. در نتیجه، فعالیت صنایع معدنی که نمونه آن تولید فولاد خام است با انکاهش به سنگ آهن، قراضه آهن، کسک، سنگ آهنک و فروآلیاژها سیر نزولی پیدا کرد. در لهستان محصول فولاد که ۱۷ میلیون تن در سال ۱۹۸۷ بود به حدود ۱۰ میلیون تن در سال ۱۹۹۲ سقوط کرد چک و اسلواکی با تقریباً "۱۵/۵ میلیون تن محصول فولاد خام در سال ۱۹۸۹ به کمتر از ۱۱ میلیون تن در سال ۱۹۹۲ رسید و رومانی، محصول ماهانه فولادش در اوایل سال ۱۹۹۲، تنها ۵۰ درصد اوج سال ۱۹۸۷ بود. کاهش در تولید فولاد به این نحو با بیشتر، ازال‌های ۹۰-۱۹۸۹ در کلیه کشورهای اروپای شرقی پیش آمد.

برخی عملیات صنایع معدن کاری اروپای شرقی - در صورتی که هدف آنان مجدد ادغام تعریف، ساختارشان تجدید و یا مدیریت آن اصلاح گردد، احتمال دارد اقتصادی شوند.



۱۹۹۲، پاره‌ای از جلوه‌های استقلال‌دراستونی، لیتوانی و لیتونی وقتی که واقعیت‌های هزینه در اقتصادشان رخ نمود، از بین رفت.

بازگشت به قدرت کمونیست‌های سابق در انتخابات پارلمانی در لیتونی در اواخر اکتبر سال ۱۹۹۲ ممکن است (بخشی از آن) به خاطر وضعیت عرضه انرژی کشور بوده باشد.

هرسه کشور حوزه بالتیک در نتیجه ناتوانی‌شان در خرید نفت کافی به نرخ بازار جهانی، دچار کاهش فعالیت و کیفیت عمومی زندگی گردیدند. کندی در جهت اصلاح اقتصادی در رابطه نزدیکتر با روسیه و دیگر کشورها مورد حمایت واقع شد. ■

ادامه دارد

مأخذ: بولتن معدنی واکتشافی وزارت معادن و فلزات



تردیدها در ارتباط با تولید، موجودی و مصرف مواد معدنی در شوروی سابق دشواری‌های عمده‌ای برای تولیدکنندگان خصوصی مواد معدنی و مصرف‌کنندگان در دیگر نقاط ایجاد کرد. اعضاء کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، مواد معدنی کمتری مصرف کرد. و بیشتر تولید و موجودی خود را صادر کردند. علت اصلی، افزایش فروش برای تحصیل ارز خارجی بود. این وضعیت به بهترین نحو در مورد نیکلو مولیبدنیوم مصداق دارد.

از اواسط تا اواخر دهه ۱۹۸۰، اتحاد جماهیر شوروی سابق سالانه حدود ۳۵ هزار تن نیکل به غرب و حدود ۲۰ هزار تن به کشورهای دارای اقتصاد برنامه‌ریزی شده متمرکز صادر می‌کرد. در سال ۱۹۹۲ صادرات نیکل معادل سطح سال ۱۹۹۱ یعنی ۱۲۰ هزار تن برآورد شده است. کاهش در مصرف جهانی مولیبدنیوم در سال ۱۹۹۲ به کاهش واردات از سوی اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی سابق مدعی یعنی از ۱۰۹۰۰ تن در سال ۱۹۸۹ به ۹۰۰ تن در سال ۱۹۹۲- نسبت داده می‌شود. تا پایان سال

سال ۱۹۹۱ توسط ایالات متحده آمریکا گردید. غیراز اینها سه جمهوری استونی، لیتونی و لیتوانی به عنوان بخشی از اتحاد شوروی توسط آمریکا به رسمیت شناخته نشدند.

به رغم جدایی، روابط اقتصادی میان جمهوریهای مختلف به خاطر وابستگی‌های گوناگون در طول سال باقی ماند. نشانه‌هایی وجود دارد که تولید صنعتی همچنان رو به کاهش بوده و صادرات مواد خام معدنی به ویژه فلزات روبه افزایش است. جنگ‌های داخلی در طول سال در ارمنستان، آذربایجان، گرجستان و تاجیکستان و نااندازه‌های کمت‌ر در مولداری موجب شد گروه‌های مختلف در پی استقلال بیشتر باشند. جمهوری روسیه بر آن بود که وحدت اقتصادی ۱۲ جمهوری شوروی سابق را حفظ کرده و با موفقیت کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را تشکیل دهد. در چارچوب این اتحادیه، روسیه مهمترین تولیدکننده مواد معدنی است. با این حال قزاقستان، اوکراین، ازبکستان، گرجستان و ارمنستان نیز تولیدکنندگان عمده مواد معدنی بوده و به شدت در پی بین‌المللی کردن بخش معدنی خود هستند. نتیجه این وضعیت فعالیت شدید بازرگانان مواد معدنی بود که فعال‌ترین در این قسمت از جهان به شمار آمده و تعداد قابل ملاحظه‌ای قراردادهای موفق شامل تقلیل کانی‌های متنوع در روسیه، قزاقستان و ازبکستان به امضاء رسیده است. حتی دولت‌های محلی در داخل فدراسیون روسیه میزان زیادی از مواد معدنی ذخیره خود را به فروش رسانده‌اند. این فروش‌های بی‌حساب به کساد و کاهش بهاء چندین کالا کمک کرد. در میان این کالاها آلومینیوم که در سال ۱۹۹۱ طبق بازار فلزات لندن ۵۹ سنت در هر پاوند بود به ۵۰ سنت کاهش یافت و نیکل که در سال ۱۹۹۱ متوسط بهاء آن در ۳/۷۰ دلار در هر پاوند بود در پایان اکتبر سال ۱۹۹۲ به ۲/۸۰ دلار نزول کرد.